

درس‌هایی از سوریه

یانیس واروفاکیس



AP Photo/Hussein Malla

دشمنِ امپریالیسم همیشه دوستِ ضدامپریالیست نیست. در ۱۵ اوت ۲۰۲۱، زمانی که رژیم دست‌نشانده‌ی آمریکا در کابل سقوط کرد، از شکست امپریالیسم ایالات متحد نفس راحتی کشیدم، و همزمان، از رنجی که قرار بود زنان افغانستان تحت لوای طالبان جهادی متحمل شوند وحشت کردم. لابی لیبرال-امپریالیستِ ایالات متحد بی‌درنگ به من حمله کرد که... پیروزی طالبان را جشن گرفته‌ام. می‌بینید، از نظر خادمان امپریالیسم، اگر از امپریالیسم آمریکا حمایت نمی‌کنید، پس حتماً حامی جهادی‌هایی هستید که مخالف امپریالیسم آمریکا بودند. ذهنیت امپریالیستی چشمش را به روی چیزهای بدیهی می‌بندد: ما وظیفه داشتیم با شور و حرارتی یکسان با امپریالیسم ایالات متحده و با جهادی‌هایی که این امپریالیسم از طریق وحشیگری‌اش آنها را تقویت کرد، مخالفت کنیم. آنها نمی‌توانستند ببینند تهاجم امپریالیستی ایالات متحده فقط جهادی‌هایی را تقویت کرد که می‌خواستند زنان افغانستان را تحت آپارتاید جنسیتی قرار دهند.

یکشنبه‌ی گذشته، رژیم اسد سقوط کرد و جهادی‌ها به دمشق یورش بردند. باز هم از سقوط یک رژیم ستمگر ابراز رضایت کردم و افزودم: «سوری‌ها به اندازه‌ی کافی رنج کشیده‌اند. اکنون وظیفه داریم اطمینان حاصل کنیم بیش از این رنجی بر آنها تحمیل نشود، آن نوع رنجی که عراقی‌ها و لیبیایی‌ها پس از سقوط دیکتاتورهای‌شان متحمل شدند. برای این هدف، قدرت‌های خارجی، غربی و غیرغربی نیز باید از این کشور دور نگه داشته شوند.» این بار هم (مانند مورد سقوط کابل) بلافاصله مورد حمله قرار گرفتم که پیروزی جهادی‌ها را جشن گرفته‌ام - این دفعه مخالفان امپریالیسم آمریکا به من حمله کردند. از نظر آنها، اگر شما حامی اسد نیستید، پس باید حامی جهادگران مخالف اسد و هواداران آمریکایی-اسرائیلی‌شان باشید. همان منطق هواداران امپریالیسم آمریکا: «اگر با ما نیستی، بر ما هستی.»

مخالفان ضدامپریالیست من نمی‌توانستند ببینند که رژیم اسد، به دلیل شیوه‌های جبارانه‌اش، فقط جهادگرانی را تقویت کرد که اسد را سرنگون کردند. بنابراین، پیام من به ضد امپریالیست‌هایی که فکر می‌کنند حمایت از شخصیت‌های جباری مانند اسد (یا قبل از او صدام) ایده‌ی خوبی است، زیرا او دشمنِ دشمنِ امپریالیستی ما است این

است: برای مبارزه با امپریالیسم و پیروزی در درازمدت، ما باید قلب و ذهن مردم را به دست آوریم. ما نمی‌توانیم این کار را با حمایت از جبارانی انجام دهیم که مردم از آنها نفرت دارند، آن هم فقط به این دلیل که آنها دشمن دشمنان ما هستند. اما برخی می‌پرسند آیا عراق قبل از سرنگونی صدام، به‌دست ارتش آمریکا وضعیت بهتری نداشت؟ البته که داشت. آیا قبل از این‌که غرب قذافی را از بین ببرد، لیبی وضعیت بهتری نداشت؟ البته که داشت.

آیا در سوریه‌ی پس از سقوط اسد، درست مانند عراق و لیبی، این خطر وجود ندارد که حمام خون فجیع‌تری راه بیفتد؟ البته، احتمالش هست. اما، دلیل نمی‌شود که صدام، قذافی یا اسد را به‌عنوان «راه‌حل»، و پادزهر امپریالیسم تلقی کنیم. این رژیم‌های جبار مردم‌شان را از خود بیگانه می‌کنند و سرانجام فرومی‌پاشند - بنابراین ثابت می‌کنند که ظرفیت مقاومت در برابر امپریالیسم را ندارند. ممکن است این رژیم‌ها مدتی دشمن امپریالیست اصلی، آمریکا، باشند، اما این آن‌ها را دوست ضدامپریالیست‌ها نمی‌کند.

خلاصه کنیم، ضدامپریالیسم تنها زمانی موفق می‌شود که ضدامپریالیست‌ها حداقل معیارهای اخلاقی را رعایت کنند؛ بزرگ‌ترین سلاح ما این است، نه کلاشینکف خودکار یا موشک ضد هوایی. زیرا اگر به حداقل معیارهای اخلاقی پایبند باشیم، می‌توانیم توده‌های سراسر جهان را که در نهایت قدرت‌ان مواضع انسان‌گرایانه‌ی اصولی هستند، جلب کنیم. همچنین می‌توانیم راحت‌تر دوگانگی رسانه‌های غربی را افشا کنیم که بی‌شرمانه (الف) اشغال دو افغانستان طی دو دهه را به‌منزله‌ی راهی ضروری برای مبارزه با جهادی‌ها جهت جلوگیری از اشغال کابل، توجیه می‌کنند و همزمان (ب) از تصرف دمشق به‌دست جهادی‌ها تجلیل می‌کنند!

دریغاً، اگر حداقل معیارهای اخلاقی را رعایت نکنیم و به‌جایش حامی ظالمانی باشیم که مخالف دشمنان‌مان هستند، مخالفت ما با ظالمانِ مدِ نظرِ دشمن، مانند مطبوعات غربی ریاکارانه به نظر می‌رسد. و باور کنید، این بزرگ‌ترین هدیه به مطبوعات غربی، به امپریالیسم، و به جباریت خواهد بود. زیرا، از این منظر، مخالفت ما صرفاً به رقابت بین «جباران» آن‌ها و «جباران» ما تقلیل می‌یابد.

در نتیجه، در محکوم کردن صدام حسین و محکوم کردن حمله‌ی جنایتکارانه‌ی جرج دبلو بوش به عراق هیچ چیز گیج‌کننده‌ای وجود ندارد. هم میلو سویچ را باید محکوم کرد و هم بمباران غیرنظامیان صرب به دست ناتو. هم طالبان و هم حمله‌ی آمریکا به افغانستان. هم رژیم اسد را باید محکوم کرد و هم جهادگران مورد حمایت آمریکا که اسد را سرنگون کردند. [در این موضع‌گیری] نه تنها هیچ تناقضی نیست، بلکه تنها راه درست و مؤثر برای ضدامپریالیست بودن همین است. این نه تنها به معنای خنثی بودن نیست، بلکه تنها راه درست و مؤثر برای جانبداری از بسیاران است، نه انگشت‌شماران. برگردیم به آنچه امروز واقعاً مهم است، آنچه که ما اکنون پس از سقوط اسد داریم: مطبوعات غربی درباب تولد سوریه‌ی جدید مدیحه‌سرایی می‌کنند بی آن که کلمه‌ای بگویند در مورد بمب‌های ایالات متحده و اسرائیل که از آسمان بر سر همین سوریه‌ی جدید فرومی‌ریزد یا تجاوز اسرائیل به سوریه.

همچنین، آیا متوجه شده‌اید که هیچ‌کس در مورد نسل‌کشی مداوم در غزه صحبت نمی‌کند؟ این یک پیروزی بزرگ برای نتانیا هو، متفکران آمریکایی او و هواداران نسل‌کشی وی در اتحادیه‌ی اروپا است. پس، رفقا، بیایید حداقل معیارهای اخلاقی را در مبارزه با امپریالیسم حفظ کنیم. بیایید از فلسطین بگوییم!

۲۰۲۴ دهم دسامبر

پیوند با متن اصلی:

https://x.com/yanisvaroufakis/status/1866373533833523468?t=sBsP_X8t2aABKbv1eRyFg&s=35